

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFECase No. 11286Date of filing: 23, 2, 90

\*\* AWARD - Type of Award Award  
 - Date of Award 23, 2, 90  
— pages in English 41 pages in Farsi

\*\* DECISION - Date of Decision \_\_\_\_\_  
 \_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* CONCURRING OPINION of \_\_\_\_\_  
 - Date \_\_\_\_\_  
 \_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* SEPARATE OPINION of \_\_\_\_\_  
 - Date \_\_\_\_\_  
 \_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* DISSENTING OPINION of \_\_\_\_\_  
 - Date \_\_\_\_\_  
 \_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* OTHER; Nature of document: \_\_\_\_\_  
 \_\_\_\_\_  
 - Date \_\_\_\_\_  
 \_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

CASE NO. 11286  
CHAMBER THREE  
AWARD NO.

پرونده شماره ۱۱۲۸۶

شعبه سه

حکم شماره ۳-۱۱۲۸۶-۴۵۸

CERTIFIED  
COPY  
فتو کپی گواہی شده

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL  
دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحدہ  
FILED ثبت شد  
DATE 23 FEB 1990  
۱۳۶۸ / ۱۲ / ۴

یونایتد بینتینگ کامپنی، اینکورپوریتد،  
ادعای کمتر از ۲۵۰،۰۰۰ دلار مطروح توسط  
ایالات متحده امریکا،  
خواهان،

- و -

جمهوری اسلامی ایران،  
خوانده.

English version  
Filed on ~~20 DEC 1989~~  
نسخه انگلیسی در تاریخ ۱۳۶۸ / ۹ / ۹  
ثبت شده است.

حکم

حاضران

از طرف خواهان: آقای تیموتی بی. ریمیش،  
نماینده رابط دولت ایالات متحده امریکا،  
آقای مایکل اف. رابوین،  
معاون نماینده رابط دولت ایالات متحده امریکا،  
آقای دیوید ای. بالتون،  
وکیل مشاور وزارت امور خارجه امریکا.

از طرف خوانده: آقای محمد کریم اشراق،  
نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران،  
آقای نوذر دبیران،  
مشاور حقوقی نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران،  
آقای سهراب ربیعی،  
دستیار حقوقی نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران،  
آقای علی اکبر ماهرخزاد،  
آقای حمید فرودیان،  
نمایندگان شرکت ملی نفت ایران،  
آقای محمد علی به آبادی،  
آقای حسینعلی فرزاد،  
نمایندگان بانک مرکزی.

یک - مقدمه

۱ - خواهان، یونایتد پینتینگ کامپنی اینکورپوریتد ("یونایتد پینتینگ") شرکتی است که طبق قوانین ایالت نیویورک از ایالات متحده امریکا تشکیل شده است. یونایتد پینتینگ پیمانکار رنگکاری است که، ضمن سایر فعالیتها، به کارهای خدماتی در صنایع تاسیسات عمومی و پالایش [نفت] اشتغال دارد.

۲ - در دادخواست، از جمهوری اسلامی ایران ("ایران") به عنوان خوانده نام برده شده است.

۳ - در سال ۱۹۷۷، یونایتد پینتینگ و شریک ایرانی آن در یک شرکت مختلط، کمورد کامپنی لیمیتد ("کمورد")، قراردادی با شرکت نفت لاوان ("لاپکو") که حسب ادعا بعداً جزئی از شرکت ملی نفت ایران ("شرکت نفت") گردید، برای سنباده‌کشی و رنگکاری اسکله بارگیری و مخزن نفت خام در جزیره لاوان، ایران ("قرارداد") منعقد کردند. یونایتد پینتینگ در این رابطه مبلغ ۱۹۶،۳۹۷ دلار امریکا به علاوه بهره و هزینه براساس سه ادعای زیر مطالبه می‌کند:

اولاً، یونایتد پینتینگ استدلال می‌کند که لاپکو با قصور در بازپرداخت هزینه‌های ضمانتنامه اضافی که برای تضمین کارهای دیگر مورد درخواست لاپکو لازم بوده، قرارداد را نقض کرده است، ثانیاً یونایتد پینتینگ ادعا می‌کند که ایران با عدم صدور اجازه خروج تجهیزات وی از جزیره لاوان بعد از اجرای قرارداد، تجهیزات وی را مصادره کرده است. نهایتاً، یونایتد پینتینگ اظهار می‌کند که ایران با وضع مقررات کنترل ارز و محدودیت برداشت مبالغ دلاری، بطور غیر قانونی در وجوه متعلق به یونایتد پینتینگ، که در بانک بین‌المللی ایران (که حسب ادعا، بانک ملت جانشین آن شد) تودیع شده بود، دخل و تصرف و از آنها سلب مالکیت کرده است. شرکت نفت

ادعاهای متقابلی که عمدتاً بابت پرداخت مالیات و حقوق بیمه‌های اجتماعی (حسب ادعای معوقه مربوط به پروژه لاپکو می‌باشد، اقامه کرده است.

## دو- گردش کار

۴ - در ۲۹ دیماه ۱۳۶۰ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۲]، ایالات متحده از طرف خواهان دادخواست و در ۳۰ مهر ۱۳۶۳ [۲۲ اکتبر ۱۹۸۴] تکمله آن را به ثبت رسانید.

۵ - ایران و بانک ملت هریک در دهم مهر ۱۳۶۴ [دوم اکتبر ۱۹۸۵] و شرکت نفت در ۱۲ آذر ماه ۱۳۶۴ [سوم دسامبر ۱۹۸۵] دفاعیه‌های خود را به ثبت رساندند.

۶ - خواهان در تاریخ ۱۹ اسفند ۱۳۶۴ [دهم مارس ۱۹۸۶] پاسخ خود را به لوایح دفاعی تسلیم کرد. ایران و شرکت نفت و بانک ملت در تاریخ ۲۴ آذر ۱۳۶۵ [۱۵ دسامبر ۱۹۸۶] مشترکاً جوابیه متقابلی شامل ادعاهای متقابل شرکت نفت بابت مالیات و حقوق بیمه اجتماعی به ثبت رساندند.

۷ - در اول اردیبهشت ۱۳۶۶ [۲۱ آوریل ۱۹۸۷]، اظهاریه‌ای تحت عنوان "ارائه مدارک جدید توسط شرکت ملی نفت ایران در رابطه با ادعای خواهان به لحاظ مصادره اموال" که شامل ادعای متقابل دیگری هم بود به ثبت رسید.

۸ - در ۲۸ اردیبهشت ۱۳۶۶ [۱۸ مه ۱۹۸۷]، خواهان به ثبت اظهاریه فوق اعتراض کرده، براین مبنا که دیر بودن تاریخ تسلیم این اظهاریه فرصت کافی برای تهیه پاسخ به وی نداده و تاخیر در اقامه ادعای متقابل قابل توجیه نیست. ولی به علت آنکه بعداً جلسه استماع به تعویق افتاد، خواهان توانست، ضمن حفظ اعتراض خود، در تاریخ نهم مرداد ۱۳۶۶ [۳۱ ژوئیه ۱۹۸۷] پاسخ اساسی به مدارک جدید و ادعای

متقابلی که در اول اردیبهشت ۱۳۶۶ [۲۱ آوریل ۱۹۸۷] ثبت شده بود تسلیم نماید.

۹ - دیوان باید به موضوع قابلیت پذیرش ادعاهای متقابل و اسنادی که دیر تسلیم شده رسیدگی کند. ابتداء، دیوان باید به موضوع قابلیت پذیرش ادعاهای متقابل شرکت نفت بابت مالیات و حقوق بیمه اجتماعی که در ۲۴ آذر ۱۳۶۵ [۱۵ دسامبر ۱۹۸۶] یعنی یکسال بعد از ثبت دفاعیه شرکت نفت ثبت شده است پردازد. ثانیاً، شرکت نفت در لایحه مورخ اول اردیبهشت ۱۳۶۶ [۲۱ آوریل ۱۹۸۷] خود، ادعای متقابل دیگری هم براساس ادعای خرابی برخی تجهیزات تسلیم نمود. ثالثاً، این لایحه شامل استدلالات و مدارک جدیدی درباره ماهیت ادعا بود.

۱۰ - بند ۳ ماده ۱۹ قواعد دیوان مقرر می‌دارد که ادعای متقابل باید "در لایحه دفاعیه ... یا در مراحل بعدی جریان دآوری، در صورتی که دیوان تشخیص دهد که باتوجه به اوضاع و احوال تاخیر موجه بوده" مطرح شود. این قاعده معمولاً در رد ادعاهای متقابلی که بعد از دفاعیه به ثبت رسیده و خواننده علت موجهی برای تاخیر در ثبت ارائه نکرده به کار رفته است. رجوع شود به ص ۲۱ حکم جزئی شماره ۳ - ۸۴ - ۲۷ مورخ ۱۳ اسفند ۱۳۶۱ [چهارم مارس ۱۹۸۳] صادره در پرونده التراسیستمز اینکورپوریتد و جمهوری اسلامی ایران و سایرین، منتشره در Iran-U.S. C.T.R. 100, 113.

۱۱ - دیوان ملاحظه می‌کند که شرکت نفت توضیح نداد که چرا هیچیک از سه ادعای متقابل وی همراه با دفاعیه به ثبت نرسیده است. براساس ضابطه مندرج در بند ۳ ماده ۱۹ قواعد دیوان، یعنی اینکه آیا تاخیر با توجه به اوضاع و احوال ... موجه بوده است یاخیر، دیوان هر سه ادعای متقابل مطروح را رد می‌کند. شرکت نفت هیچ توجیهی در تاخیر ثبت این ادعاهای متقابل ارائه نداده است. گرچه خواهان به ثبت خارج از موعد ادعاهای متقابل مالیات و حقوق بیمه‌های اجتماعی اعتراض نکرده، معیناً دیوان

طبق نص صریح بند ۳ ماده ۱۹ قواعد خود، با توجه به قصور شرکت نفت در توجیه تاخیر ثبت آنها، ادعاهای متقابل را رد می‌کند.

۱۲ - لایحه مورخ اول اردیبهشت ۱۳۶۶ [۲۱ آوریل ۱۹۸۷] خوانده، موضوع مرتبط دیگری را هم مطرح کرده است. بحثی نیست که این سند، بعد از مهلت مقرر برای تسلیم لوائح این پرونده به ثبت رسیده و حاوی استدلالات و مدارک جدیدی است. طبق رویه موجود خود، دیوان در اتخاذ تصمیم برای پذیرش یا عدم پذیرش چنین لایحه‌ای که دیر به ثبت رسیده، «الزامات اساسی مساوات و انصاف بین طرفین و احتمال بیعدالتی نسبت به یک طرف» را مورد توجه قرار می‌دهد. بند ۶۱ حکم جزئی شماره ۱-۴۰۹-۳۲۳ مورخ ۱۱ آبانماه ۱۳۶۶ [دوم نوامبر ۱۹۸۷] صادره در پرونده هریس اینترنشنال تله کامیو نیکیشنز اینک - وریوریتید و جمهوری اسلامی ایران و سایرین، منتشره در 17 Iran-U.S. C.T.R. 31, 46-47 (و پرونده‌های مذکور در آن). به علاوه، «نظم در رسیدگیها نیز مستلزم آن است که مهلت های زمانی تعیین و اعمال گردند». همان مآخذ (نقل از صفحات ۴۵-۴۶ حکم شماره ۲-۲۹۲-۲۰۲ مورخ چهارم آذر ۱۳۶۴ [۲۵ نوامبر ۱۹۸۵] صادره در پرونده میدل ایست منجمنت اند کانستراکشن کوریوریشن و دولت جمهوری اسلامی ایران، منتشره در 9 Iran-U.S. C.T.R. 340, 343. دیوان در اعمال این عوامل در مورد یک پرونده خاص، «ماهیت و محتوای اسنادی که دیر به ثبت رسیده‌اند و نیز علت و طول مدت تاخیر در ثبت» را در نظر می‌گیرد. بند ۶۲ همان مآخذ، منتشره در 17 Iran-U.S. C.T.R. at 47. (و پرونده‌های مذکور در آن).

۱۳ - توضیح شرکت نفت برای تاخیر در ثبت لایحه خود این است که «ضمن بررسی اسناد مربوط به پرونده حاضر، به مطالب مستند جدیدی برخورد کرده است.» با توجه به مدت زمانی که شرکت نفت برای تهیه استدلالات خود داشته، دیوان این توضیح را برای

دادن اجازه ثبت این سند در این مراحل موخر رسیدگی کافی نمی‌داند. ولی با توجه به ماهیت استدلالات و مدارک جدیدی که ارائه شده و اینکه خواهان فرصت پاسخ به آنها را در لایحه مورخ نهم مرداد ۱۳۶۶ [۳۱ ژوئیه ۱۹۸۷] خود داشته، دیوان آن قسمت از لایحه مورخ اول اردیبهشت ۱۳۶۶ [۲۱ آوریل ۱۹۸۷] شرکت نفت را که مرتبط به ادعای متقابل جدید نیست می‌پذیرد. بر این اساس دیوان همچنین پاسخ مورخ نهم مرداد ۱۳۶۶ [۳۱ ژوئیه ۱۹۸۷] خواهان را قبول می‌کند.

۱۴ - خوانده در تاریخ اول مهر ۱۳۶۶ [۲۳ سپتامبر ۱۹۸۷] درصدد برآمد دو سند دیگر را نیز که حسب ادعای بانک ملت سهواً در دفاعیه خود منظور نکرده بود تسلیم کند. در جلسه استماع که دو روز بعد تشکیل شد، دیوان طبق رویه معمول خود این اسناد را به دلیل اینکه خارج از موعد می‌باشند رد کرد.

سه - صلاحیت

#### (یک) تابعیت خواهان

۱۵ - اختلافی وجود ندارد که خواهان، شرکتی است که طبق قوانین ایالت نیویورک تشکیل شده و در کلیه اوقات ذیربط منحصراً متعلق به اتباع ایالات متحده بوده است. خواهان در تاعیید این موضوع، مدارک زیر را تسلیم کرده است: نخست، سوگندنامه حسابداران شرکت، که در آن، ضمن سایر موضوعات، اظهار شده که آقای ای ام استاین در دهم دیماه ۱۳۵۹ [۳۱ دسامبر ۱۹۸۰] مالک نود درصد سهام منتشره شرکت خواهان بوده است، دوم، یک برگ گواهی تولد که نشان می‌دهد ابراهام موریس استاین در ۲۲ تیر ۱۲۹۷ [۱۳ ژوئیه ۱۹۱۸] در شهر نیویورک متولد شده، سوم یک برگ گواهی که در تاریخ چهارم مرداد ۱۳۶۳ [۲۶ ژوئیه ۱۹۸۴] توسط دبیر استانداری ایالت نیویورک صادر گردیده و نشان می‌دهد که گواهی ثبت شرکت



یونایتد پینتینگ در ۱۳ آذر ۱۳۲۳ [چهارم دسامبر ۱۹۴۴] به ثبت رسیده و طبق اسناد استانداری، شرکت مزبور کماکان موجودیت دارد، و بالاخره شهادتنامه مورخ ۲۸ شهریور ۱۳۶۳ [۱۹ سپتامبر ۱۹۸۴] آقای ای ام استاین که وی در آن، ضمن سایر موضوعات، اظهار داشته که مالک اکثریت سهام شرکت و رئیس و مدیر عامل آن است.

۱۶ - براساس مطالب پیشگفته، دیوان متقاعد گردید که خواهان مشمول مفاد بند ۱ ماده ۷ بیانیه حل و فصل دعاوی است.

#### مشارکت (دو)

۱۷ - خواهان در دهم آبان ۱۳۵۶ [اول نوامبر ۱۹۷۷] یک "قرارداد مشارکت" با کمورد به نمایندگی آقای پرویز یزدانی ("آقای یزدانی") صرفاً به منظور سنباده‌کاری و رنگکاری اسکله و مخزن نفت لاپکو در جزیره لاوان منعقد کرد. خواهان نسخه امضاء شده‌ای از این قرارداد را تسلیم کرده است. ماده ۱ قرارداد مقرر می‌دارد که "طرفین قرارداد، متساویاً و عیناً در کلیه سودها، زیانها، هزینه‌ها و مخارج و سرمایه‌گذاریها و غیره، که از اجرای این قرارداد ناشی شود سهیمند."

۱۸ - ایران اظهار می‌کند که دیوان فاقد صلاحیت است زیرا "شرکت مختلط از شرکت کمورد و شرکت یونایتد پینتینگ وجود نداشته" و اگر چنین شرکت مختلطی وجود می‌داشت باید در اداره ثبت شرکتهای ایران به ثبت می‌رسید. به همینگونه بانک ملت استدلال می‌کند که چون هیچ شرکت مختلطی به این صورت به ثبت نرسیده، بانک وجود چنین شرکتی را مورد تأیید قرار نمی‌دهد، و هرگونه توافق و قرارداد ادعایی بین شرکت کمورد و یونایتد پینتینگ امری داخلی بوده و فقط برای خود آنها تعهدآور است.

۱۹ - در استدلالات ایران و بانک ملت در مورد صلاحیت فرض براین است که چنانچه شرکای

شرکت مختلط عملاً شرکت مختلط در ایران تشکیل نداده و به ثبت نرسانده باشند قرارداد مشارکت نمی‌تواند مبنایی برای صلاحیت دیوان ایجاد کند. گرچه به نظر صحیح می‌آید که چنین شرکتی تشکیل نشده و خواهان هم چنین ادعایی نکرده، ایران و بانک ملت ثابت نکرده‌اند که این امر موثر در صلاحیت دیوان است و بنابراین آنها به اظهارات خواهان که وضعیت وی به عنوان شریک در قرارداد مشارکت، مبنای صحیحی برای صلاحیت دیوان تشکیل می‌دهد، به نحو مقنعی پاسخ نداده‌اند.

۲۰- شرکت نفت به این مطلب پرداخته و اظهار می‌کند که شریک در یک شرکت مختلط نمی‌تواند به تنهایی از طرف شرکت یا بابت سهم خود از حق مشارکت، ادعایی مطرح کند. شرکت نفت می‌گوید همانطور که تعهدات یک شرکت مختلط برعهده کلیه شرکاست، حقوق مشارکت نیز فقط توسط کلیه شرکا قابل اعمال است. بنابراین شرکت نفت استدلال می‌کند که چون کمورلد در دعوی حاضر به یونایتد پستینگ ملحق نشد، خواهان اهلیت اقامه دعوی علیه خوانده را ندارد. گرچه شرکت نفت صریحاً به مواد ذیربط در قوانین ایران اشاره نمی‌کند ولی پرونده‌های مختلفی را ذکر می‌کند که در آنها تصمیمات دادگاههای ایالات متحده، حسب ادعا در تائید موضع وی بوده است.

۲۱- خواهان به رویه قضایی اشاره و اظهار می‌کند که طبق قوانین نیویورک و ایران، واقعیات مشابه با واقعیات پرونده حاضر، وجود شرکت مختلط معتبر را احراز می‌کند. خوانده به اعتبار نفس مشارکت براساس قرارداد یا اینکه مشارکت مزبور طبق قوانین نیویورک و ایران، در حکم شرکت مختلطی است، ایراد ندارد. در واقع اعتبار شرکت مختلط، اساس استدلال شرکت نفت راجع به عدم صلاحیت دیوان است. تحت این شرایط و در نبود مدرکی دال بر اینکه مشارکت معتبری وجود نداشته، دیوان به بررسی این موضوع می‌پردازد که آیا یک شریک در شرکت مختلط باید حق داشته باشد، بدون همکاری شریک خود به عنوان خواهان مشترک، دعوی براساس قرارداد منعقد شده توسط شرکت مختلط، اقامه کند یا خیر.

۲۲ - در صفحه ۲۷ حکم شماره ۱-۱۷۴-۲۰۱ مورخ اول آذر ۱۳۶۴ [۲۲ نوامبر ۱۹۸۵] صادره در پرونده هاوزینگ اند آرین سرویسز اینترنشنال اینکورپوریتد و دولت جمهوری اسلامی ایران و سایرین، منتشره در 9 Iran-U.S. C.T.R. 313, 329 ("پرونده هاوس") دیوان این موضوع را با نگرش به قوانین ایران بررسی و نتیجه‌گیری کرد که مآخذ فراوانی در تأیید این قضیه در دست است که در مواردی که شرکتی مدنی باشد، ادعا باید به نام کلیه شرکا به عنوان مالکین مشترک آن تعقیب شود. بنابراین دیوان اظهار نظر کرد که طبق قوانین ایران، خواهان ممکن است حق اقامه دعوی نداشته باشد. دیوان در عین حال متذکر شد که به لحاظ جایگاه بین‌المللی خود، باید به حقوق بین‌الملل نیز نظر کند، هرچند قوانین داخلی (کشورها) می‌تواند "مبدأ رسیدگی" وی قرار گیرد. رجوع شود به همان مآخذ، صفحات ۲۹-۲۸، منتشره در 9 Iran-U.S. C.T.R. at 330.

۲۳ - ماده ۲۰ قرارداد مشارکت مقرر می‌دارد که قرارداد از کلیه جهات تابع قوانین ایالت نیویورک خواهد بود. شرکت نفت استدلال می‌کند که طبق قوانین نیویورک، معمولاً یک شریک اجازه ندارد بابت حقوق متعلق به شرکت، به تنهایی اقامه دعوا کند. معهذا حتی اگر محرز بود که قوانین ایالت نیویورک مانع از آن است که شریکی بتواند بدون ورود شریک خود به عنوان خواهان مشترک، اقامه دعوا کند، همانطور که ظاهراً قوانین ایران چنین کاری را منع می‌کند، با این وصف دیوان باید همانطور که در پرونده هاوس تأیید کرد، حقوق بین‌الملل را مد نظر قرار دهد. رجوع شود به همان مآخذ. این امر با ماده ۵ بیانیه حل و فصل دعاوی، که مبنای احکام دیوان است، مطابقت دارد.

۲۴ - همانطور که دیوان در پرونده هاوس نظر داد،

هرچند به نظر می‌رسد که طبق حقوق بین‌الملل قاعدتاً یک

شریک نمی تواند تنها بنام خود دعوائی را که به شرکت مدنی تعلق دارد اقامه کند، هر جا که دلایل یا شرایط خاصی ایجاد نموده "دیوانهای بین المللی در تفکیک علائق شرکا" و در مجاز داشتن "شرکا" به وصول سهم نسبی خود از مطالبات شرکت مشکلی نداشته اند. یکی از "شرایط خاصی" که پیش از هر چیز با این مفهوم مطابقت دارد موثقی است که ادعای شریک صرفاً "بابت علائق شخص خود که مستقل از ادعای شرکت و به آسانی از آن قابل تشخیص است، باشد.

همان ماعخذ ، ص ۲۹، منتشره در 330 Iran-U.S. C.T.R. at 330. دلیل عمده مجاز داشتن شریک به طرح دعوا به صورت انفرادی این است که "در غیر این صورت به علت عدم اهلیت شریک خارجی، خود شریک از طرح دعوا در یک مرجع بین المللی منع خواهد شد." همان ماعخذ ، ص ۳۲، منتشره در 332 Iran-U.S. C.T.R. at 332. دیوان ملاحظه می کند که این منطق در پرونده حاضر صدق دارد.

۲۵- برای آنکه مشخص شود که آیا ادعای یونایتد پنتینگ تنها بابت علائق خود وی و متمایز و به سهولت قابل تفکیک از ادعای شرکت است یا خیر، دیوان باید مفاد قرارداد مشارکت را بررسی کند. علاوه بر ماده ۱ که تساوی سهم هر طرف را در سودها و زیانها قید می کند، ماده ۱۰ مقرر می دارد که پس از خاتمه کارها و پرداخت کلیه صورتحسابها و تعهدات، باقیمانده سودها و زیانهایکه قبلاً تقسیم نشده بین طرفین نامبرده تقسیم خواهد شد." از ملاحظه این شروط قراردادی بدیهی است که تعهد طرفین در اجرای پروژه خود براساس پنجاه - پنجاه بوده است . به عبارت دیگر، حق هر طرف به نیمی از عواید خالص پروژه مشترک، به سهولت قابل تشخیص است. به اینصورت، حق یونایتد پنتینگ از حق کورلمد قابل تفکیک و در نتیجه منحصر<sup>۱۰</sup> متعلق به یونایتد پنتینگ می باشد.

۲۶ - تحت این اوضاع و احوال و براساس قرارداد مشارکت، دیوان نظر می‌دهد که خواهان مجاز است بابت علایق خود منفرداً علیه خواننده اقامه دعوا کند.

### (سه) تقسیم داراییها

۲۷ - لیکن یونایتد پینتینگ اظهار می‌کند که استحقاق وی نه پنجاه درصد، بلکه صد در صد حقوق معوقه مشارکت در برابر خواننده است. طبق اظهار خواهان، پس از تکمیل کار در اوت ۱۹۷۸، آقای استاین و آقای یزدانی توافق کردند که کمورلد، به عنوان عامل فروش رنگ و مصالحی که به شرکت مختلط فروخته شد، کلیه حق‌العمل این فروشها را در اختیار بگیرد و یونایتد پینتینگ، که در رنگکاری تجربه داشت، کلیه لوازم سنباده‌کشی و رنگکاری را، که شرکت مختلط برای استفاده در جزیره لاوان خریداری کرده بود، برای خود نگاهدارد. خواهان ادعا می‌کند که همچنین توافق شد که پس از تسویه کلیه معاملات موجود، مانده حساب جاری شرکت به یونایتد پینتینگ تعلق گیرد تا هزینه‌هایی که در حمل و عودت لوازم به ایالات متحده متحمل می‌شود جبران شود.

۲۸ - شرکت نفت اظهار می‌کند که خواهان، این طریقه تقسیم ادعایی داراییهای شرکت را ثابت نکرده است. شرکت نفت متذکر می‌شود با اینکه در مکاتبات تسلیمی خواهان، ترتیبات فروش تجهیزات شرکت به شخص ثالث پس از توزیع ادعایی داراییها مورد بحث است، اشاره‌ای مبنی بر این که عواید فروش متعلق به یونایتد پینتینگ باشد، در آن‌ها دیده نمی‌شود. دیوان با شرکت نفت موافق است که مکاتبات تسلیمی، حداقل درباره این موضوع مبهم بوده و الزاماً اشاره به تخصیص باقیمانده اموال شرکت به یونایتد پینتینگ نمی‌کند. در واقع، در تلکس‌هایی که متجاوز از یکسال بعد از تقسیم ادعایی داراییها مبادله شده، مکرراً اشاره به "تجهیزات ما" دارد که به هیچوجه چنین ادعایی را تأیید نمی‌کند.

۲۹- خواهان هیچ مدرک مستندی که اظهاراتش را بدون شبهه تأیید کند ارائه نداده است. در این رابطه، دیوان خاطرنشان می‌سازد که معاملات تجارتي حتی عمده در عمل اغلب مبتنی بر تفاهم شفاهی است بدون اینکه در قرارداد کتبی منعکس شود. این امر مخصوصاً در مواردی صادق است که طرفین معامله قبلاً با یکدیگر معاملاتی داشته و به ویژه در مواردی مانند مورد حاضر، که طرفین در قالب قانون همکاری داشته‌اند. بنابراین در شرایط خاصی، صرف عدم وجود یک تأییدیه مستند الزاماً به موضع یک طرف لطمه‌ای نمی‌زند.

۳۰- در این پرونده، تنها مدرک دال بر اینکه خواهان مالک منحصر به فرد داراییهای مورد بحث شرکت مختلط گردیده، شهادتنامه آقای استاین، سهامدار اکثریت و رئیس و مدیر عامل شرکت خواهان است. طبق اظهار آقای استاین، اینکه قرار بود تجهیزات متعلق به خواهان شود، قسمتی به این دلیل بود که پاره‌ای از هزینه‌های عمومی و اداری که یونایتد پینتینگ بابت شرکت مختلط متحمل شده بود به وی مسترد شود. دیوان ملاحظه می‌کند که باتوجه به جامعیت قرارداد اصلی مشارکت و روابط بین آقای استاین و آقای یزدانی، انتظار می‌رفت که اینگونه تجدید نظرهای اساسی در قرارداد، در همان زمان به نحوی صادره و ثبت گردد.

۳۱- من حیث المجموع، دیوان معتقد است که باتوجه به اینکه مکرراً در قرارداد مشارکت از توزیع و تقسیم بالمناصفه سود و زیان صحبت شده و باتوجه به کلی بودن مطالب مذکور در شهادتنامه آقای استاین و نبود مدرک مستندی که بدون هیچگونه ابهامی اظهارات وی را تأیید کند، مدارک کافی در دست نیست که حتی به احتمال نشان دهد که تقسیم مجدد اموال شرکت بصورتی که ادعا شده واقعا مورد توافق واقع شده بود. براساس مراتب پیشگفته، دیوان، حق یونایتد پینتینگ نسبت به پنجاه درصد ادعای سلب مالکیت، یعنی معادل حق وی در قرارداد مشارکت را مورد توجه قرار خواهد داد.

(چهار) مالکیت وجوه حساب بانکی

۳۲ - بانک ملت نیز اظهار می‌کند که دیوان نسبت به ادعای یونایتد پینتینگ راجع به وجوه حساب دلاری شماره ۰۱۵۷۷-۱۳-۶۱ و حساب ریالی شماره ۰۲۱۸۱۹-۱۱-۶۱ ("حسابهای بانکی")، دو حساب بانکی در بانک بین‌المللی ایران که حسب ادعا متعلق به یونایتد پینتینگ است، صلاحیت ندارد. بانک ملت می‌گوید هیچگاه شرکتی به صورت یک مشارکت مختلط وجود نداشته و حسابها منحصرأ به نام کمورلد افتتاح شده بود. بانک ملت نتیجه می‌گیرد که بنابراین خواهان حق ندارد ادعائی بر مبنای حسابهای بانکی طرح کند.

۳۳ - یونایتد پینتینگ اظهار می‌دارد اسنادی که خود بانک تسلیم کرده نشان می‌دهد که حسابها مشترکا متعلق به شرکای شرکت مختلط بوده است. وی اشاره می‌کند که در فرمهای افتتاح حساب، عنوان حسابها "کمورلد کامپنی لمیتد، یو پی" بود که در روی چکهای حساب نیز چاپ شده است. یونایتد پینتینگ مضافاً خاطر نشان می‌سازد که کارتهای نمونه امضا نشان می‌دهد که آقایان یزدانی و استاین هر دو دارندگان حق امضاء بوده و آقای یزدانی طی نامه‌ای به بانک دستور داده که فقط چکهایی را که به امضای هردوی آنان است بپذیرد. خواهان اضافه می‌کند که چکهایی که لاپکو به حسابهای بانکی پرداخته مشترکا در وجه کمورلد و یونایتد پینتینگ بوده است. بانک ملت اظهار می‌دارد که مدارک تایید می‌کند که آقای استاین فقط می‌توانسته به عنوان صاحب امضای دوم از طرف کمورلد، دارنده حساب، اقدام کند و همچنین خاطر نشان می‌کند که در فرمهای افتتاح حساب، شماره ثبت شرکت کمورلد ذکر شده است.

۳۴ - بانک توضیح نداده که اگر شرکت مختلطی وجود نداشت در آنصورت شرکای شرکت چگونه مشکلی در افتتاح حساب بانکی برای طرح مشترک قراردادی خود می‌داشتند.

بنابراین دیوان این قسمت از مبنای اظهارات بانک ملت را رد می‌کند.

۳۵- راجع به اظهارات بانک ملت مبنی بر اینکه حسابها فقط به نام کمورلد افتتاح شده بود، دیوان ملاحظه می‌کند که طرفین قبول دارند که فرمهای افتتاح حساب که تسلیم شده مربوط به حساب های مورد بحث می‌باشد. درمورد عنوان حساب، بانک معتقد است که "در فرم مذکور ذکری از یونایتد پینتینگ کامپنی لمیتد نشده است. برعکس در فرم صراحتاً نام کمورلد کامپنی لمیتد ذکر شده است". لیکن از مدارک دیده می‌شود که نام یونایتد پینتینگ چندین بار، هر چند به صورت اختصاری "یویی" ذکر شده و کمورلد فقط در ترکیب با آن اختصار مورد اشاره قرار گرفته است. از طرف دیگر برخی اطلاعات مندرج در فرم مذکور، مانند نشانی و شماره ثبت شرکت مربوط به کمورلد است. دیوان ملاحظه می‌کند که اینگونه اطلاعات که جنبه اداری دارد معمولاً به منظور سهولت کار ذکر می‌شود مثل ثبت نشانی برای ارسال صورتحسابهای بانکی، و بدین صورت هویت دارنده حساب را نشان نمی‌دهد. در پرونده حاضر، منطق حکم می‌کرد که شرکای شرکت از وجود کمورلد در تهران استفاده و امور بانکی شرکت را تسهیل کنند. این امر با مسئولیت کمورلد، مندرج در بند "د" ماده ۱۵ قرارداد مشارکت، یعنی اداره و حفظ اسناد و مدارک پروژه نیز ظاهراً مطابقت داشت.

۳۶- نبودن اصطلاح "دارنده حساب" یا کلمه مشابهی در فرم [افتتاح حساب]، اهمیت عنوان حساب را که در فرم نوشته شده بیشتر می‌کند و دیوان احتمال می‌دهد که منظور از عنوان حساب، تعیین ذینفع حساب بوده است. ماده ۹ قرارداد مشارکت، ضمن سایر مطالب، مقرر می‌کند که شرکا باید "کلیه پولها، وجوه سرمایه‌گذاری و دریافتی قرارداد را در حسابی که توافق می‌شود در بانک بین المللی ایران تودیع نمایند". بانک تأیید کرده که آقایان یزدانی و استاین در حسابهای مذکور مشترکاً صاحب امضاهای مجاز بوده‌اند. نسخه‌ای از روزنامه رسمی کشور که بانک تسلیم کرده موجب تردید در اظهارات بانک می‌شود مبنی بر اینکه حق امضای آقای استاین منحصراً برای



شرکت کمورلد بوده است. برطبق آگهی مندرج در این روزنامه، دارندگان حق امضای «کلیه اسناد و اوراق بهادار» مربوط به کمورلد «مهندس پرویز یزدانی مدیر عامل یا فریدون یزدانی عضو هیأت مدیره» بوده‌اند و ذکری از آقای استاین نشده است. علاوه بر آن در یکی از فرمهای افتتاح حساب، نام لاپکو و چیس منهن بانک نیویورک به عنوان معرفین ذکر شده است. مضافاً اینکه ماده ۱۱ مقررات و شرایط افتتاح حسابهای جاری که بانک تسلیم کرده تلویحاً حاکی از آن است که بانک امکان افتتاح «حسابهای مشترک به نام دو یا چند صاحب حساب» عرضه کرده بود.

۳۷ - دیوان این استنباط را از اوضاع و احوال مذکور منطقی می‌داند که حسابها مشترک بوده و از طرف شرکت مختلط افتتاح شده است. بنابراین دیوان استدلال بانک را مبنی بر اینکه خواهان حقی نسبت به وجوه حسابها ندارد و به آن دلیل دیوان فاقد صلاحیت نسبت به ادعای مربوط به حسابهاست رد می‌کند. باتوجه به یافته‌های مذکور در زیر، دیوان درباره سایر موضوعات صلاحیتی مربوط به این ادعا تصمیمی نخواهد گرفت. رجوع شود به بندهای ۸۱ - ۸۰ زیر.

#### (پنج) جنبش‌های مردمی

۳۸ - ایران در دفاعیه خود اظهار می‌کند که بر مبنای بند ۱۱ (د) بیانیه دولت جمهوری دمکراتیک و مردمی الجزایر («بیانیه عمومی») دیوان نسبت به ادعای سلب مالکیت صلاحیت ندارد. این شرط حاوی تعهدی است برای ایالات متحده مبنی بر اینکه

... تمام ادعاهایی را که در حال حاضر بر علیه ایران در دیوان دادگستری بین‌المللی مطرح است پس خواهد گرفت و از آن به بعد نیز از اقامه دعوا در مورد هرگونه ادعای حال یا آینده توسط ایالات متحده و یا اتباع ایالات متحده علیه ایران ناشی از حوادث قبل از تاریخ این بیانیه، در رابطه با ... صدمات وارده به اتباع ایالات متحده و یا اموال آنها

در نتیجه جنبش‌های مردمی در جریان انقلاب اسلامی ایران که ناشی از عمل دولت ایران نبوده است، جلوگیری خواهد نمود.

ایران اظهار می‌دارد که فعالیتهای لاپکو در نتیجه اینگونه رویدادهای انقلابی به پایان رسید و بنابراین ادعاهایی ناشی از قطع آن فعالیتهای باید طبق این شرط از طرح ممنوع شوند.

۳۹ - خواهان این استدلال را بر دو اساس رد می‌کند و اظهار می‌دارد که بند ۱۱ بیانیه عمومی فقط شامل پنجاه و دو تبعه ایالات متحده می‌شود که در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ [چهارم نوامبر ۱۹۷۹] در تهران دستگیر شدند و به آن دلیل شامل پرونده حاضر نمی‌شود. خواهان همچنین اظهار می‌دارد که خسارات وی ناشی از جنبش‌های مردمی نبوده بلکه ناشی از اقدامات عمدی دولت ایران به ویژه ممانعت مکرر از دسترسی خواهان به تجهیزات خود در جزیره لاوان می‌باشد.

۴۰ - طبق رویه معمول دیوان، اگر خواهان به اعمالی استناد کند که طبق اظهار وی منتسب به دولت ایران است، بند ۱۱ بیانیه عمومی به طور موثر صلاحیت دیوانرا محدود نمی‌کند. به عنوان مثال، رجوع شود به ص ۶ حکم شماره ۳-۱۱۱۳۵-۳۱۲ مورخ ۲۳ تیر ۱۳۶۶ [۱۴ ژوئیه ۱۹۸۷] صادره در پرونده الفرد ال دلیو شورت و جمهوری اسلامی ایران، منتشره در Iran-U.S. C.T.R. 16، 76, 79 و بند ۳۳ حکم جزیی شماره ۱-۱۹۹-۱۰۲۲۴ مورخ ۱۱ آبان‌ماه ۱۳۶۶ [دوم نوامبر ۱۹۸۷] صادره در پرونده کنت پی. پیگرو و جمهوری اسلامی ایران،

منتشره در Iran-U.S. C.T.R. 92,100-01. 17. با توجه به اظهارات خواهان مبنی بر اینکه اعمال مورد بحث، اعمال ایران است، دیوان معتقد است که بند ۱۱ بیانیه عمومی مانع صلاحیت وی بر ادعای حاضر نمی‌شود.

(شش) خوانده

۴۱ - خواهان در این پرونده ایران را خوانده معرفی کرده است. یونایتد پینتینگ اظهار می‌دارد که ایران بود که: (۱) مقررات غیر قانونی ارزی وضع کرد و مانع شد که خواهان وجوه دلاری خود را از ایران خارج کند و اینکار منجر به دارا شدن غیرعادلانه بانک گردید، (۲) مانع شد که خواهان به تجهیزات خود در جزیره لاوان دسترسی یابد و (۳) از جبران اضافه حق بیمه (ضمانتنامه) خواهان امتناع کرد.

۴۲ - خواهان همچنین اظهار می‌دارد که ایران در این پرونده خوانده واقعی است زیرا واحدهای مربوطه ایرانی، به مفهوم بند ۳ ماده ۷ بیانیه حل و فصل دعاوی در کنترل ایران می‌باشند. خواهان به‌ویژه اظهار می‌دارد که شرکت نفت هنگام سلب مالکیت از تجهیزات وی، کنترل لاپکو را به دست گرفته بود. خواهان در تأیید این اظهارات، شهادتنامه مورخ ششم اسفند ۱۳۶۴ [۲۵ فوریه ۱۹۸۶] جان تی. هریس یکی از مدیران سابق لاپکو را تسلیم کرده که در آن اظهار شده کلیه عملیات و اموال موجود در جزیره لاوان در حوالی تاریخ عزیمت وی از ایران در ژانویه ۱۹۷۹ مستقیماً در کنترل شرکت نفت قرار گرفت. به‌علاوه خواهان، لوایح مختلفی را که در پرونده‌های مطروح دیگر در دیوان ثبت شده ذکر می‌کند که در آنها شرکت نفت صریحاً خود را جانشین لاپکو معرفی کرده است. خواهان همچنین اشاره می‌کند که دیوان قبلاً شرکت نفت را یک واحد تحت کنترل شناخته است. خواهان در مورد بانک بین‌المللی ایران اظهار می‌دارد که دیوان قبلاً نظر داد که بانک ملت متعلق به دولت، جانشین آن شد.

۴۳ - تا حدودی که ادعای یونایتد پینتینگ متوجه ایران در مقام کنترل کننده شرکت نفت و بانک می‌باشد، دیوان باید تعیین کند که آیا این واحدها، واجد شرایط کنترل مندرج در بند ۳ ماده ۷ بیانیه حل و فصل دعاوی می‌باشند یا خیر.

۴۴ - ترکیب دفاعیه خوانده به نحوی است که لوایح جداگانه‌ای توسط ایران و شرکت نفت و بانک ملت تسلیم گردیده‌است. بانک ملت تأیید می‌کند که جانشین قانونی بانک بین‌المللی ایران است. مضافاً در لوایح مزبور کنترل بانک توسط ایران مورد انکار نیست. دیوان طبق رویه خود نظر می‌دهد که بانک ملت به مفهوم بند ۳ ماده ۷ بیانیه حل و فصل دعاوی، واحدی تحت کنترل است. رجوع شود به ص ۵ حکم شماره ۲-۳۵-۲۱۹ مورخ دهم فروردین ۱۳۶۲ [۳۰ مارس ۱۹۸۳] صادره در پرونده بنجامین آر ایسایاه و بانک ملت، منتشره در 2 Iran-U.S. C.T.R. 232, 235

۴۵ - همانگونه که دیوان صریحاً در ص ۱۲ قرار اعدادی شماره ۴۳-۱ دیوان عمومی مورخ ۱۸ آذر ۱۳۶۱ [نهم دسامبر ۱۹۸۲] صادره در پرونده اویسل فیلد آو تگزاس و دولت جمهوری اسلامی ایران و سایرین، منتشره در 1 Iran-U.S. C.T.R. 347, 356 نظر داد، در اینکه شرکت نفت واحدی تحت کنترل است نیز اختلافی نیست. دیوان ملاحظه می‌کند که در لوایح خوانده به اینکه شرکت نفت، جانشین بالفعل لاپکو است مخالفتی نشده (۱). ولی در جلسه استماع، خوانده آنرا به صورت کلی انکار کرد بدون اینکه توضیح دهد چرا قبلاً چنین کاری نکرده بود. قبول چنین استدلالی در این مراحل آخر رسیدگی احتمالاً به موضع خواهان لطمه خواهد زد. دیوان طبق رویه معمول خود این دفاع صلاحیتی خارج از موعد را رد می‌کند.

---

(۱) دیوان معتقد است که اشاره به "شرکت خصوصی ایرانی" و اظهار اینکه "در مورد صادره ماشین سمباده‌کشی و وسایل و ادوات نقاشی خواهان ... قرارداد خصوصی joint venture با لاپکو هیچگونه ارتباطی به دولت ایران نداشته" برای انکار کافی نیستند. این اظهارات که از طرف شرکت نفت نبوده بلکه از ناحیه ایران است، رابطه بین لاپکو و شرکت نفت را مطرح نمی‌کند و به‌علاوه تاریخ ذیربط از لحاظ تصمیم‌گیری دیوان یعنی ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] را ملحوظ نمی‌دارد. برای مثال رجوع شود به بند ۴۴ حکم شماره ۳-۲۲۷-۳۲۹ مورخ ۲۰ آبان ۱۳۶۶ [۱۱ نوامبر ۱۹۸۷] صادره در پرونده ایستمن کداک کامپنی و سایرین و دولت جمهوری اسلامی ایران و سایرین، منتشره در 17 Iran-U.S. C.T.R. 153, 165 ("ایستمن کداک").

۴۶ - براساس مراتب پیشگفته، دیوان معتقد است که نسبت به ایران، شرکت نفت و بانک ملت یعنی واحدهایی که خوانده واقعی این پرونده هستند صلاحیت دارد.

#### چهار - ماهیت

#### الف - ضمانتنامه حسن انجام کار اضافی

۴۷ - بند ۱۵ از بخش الف قرارداد مقرر می دارد که:

برنده مناقصه (قرارداد) باید به درخواست لاپکو یک ضمانتنامه اجرایی به ارزش کل مبلغ قرارداد تهیه و اجرای قرارداد را تضمین نماید. ضمانتنامه اجرایی از بانک و به صورتی که لاپکو تصویب می کند تنظیم و خریداری خواهد شد.

در غیراینصورت و چنانچه لاپکو بخواهد، پیمانکار باید یک ضمانتنامه بانکی به صورت مورد قبول لاپکو و به مبلغی که لاپکو تعیین می کند که بیش از کل مبلغ قرارداد نخواهد بود تهیه نماید.

در صورتیکه لاپکو از پیمانکار بخواهد که یک تضمین یا ضمانتنامه بانکی به صورت فوق الذکر تهیه کند باید کارمزد آن را به پیمانکار بپردازد.

پس از عقد قرارداد، یونایتد پینتینگ و کمورلد اقدام به تهیه ضمانتنامه از گزیت امریکن اینشورنس کامپنی نمودند و شرکت نامبرده موافقت کرد تا مبلغ ۷۴،۹۹۵،۰۰۰ ریال اجرای آنها را ضمانت کند. ضمانتنامه طی تلکس مورخ دهم آبان ۱۳۵۶ [اول نوامبر ۱۹۷۷] توسط لاپکو تصویب و در ۱۲ آبان ۱۳۵۶ [سوم نوامبر ۱۹۷۷] امضاء شد.

۴۸ - کمورلد و یونایتد پینتینگ، کار اصلی موضوع قرارداد را در نهم تیر ۱۳۵۷ [۳۰ ژوئن

[۱۹۷۸] به پایان رساندند. خواهان اظهار می‌دارد که لاپکو بعد از آن از پیمانکار درخواست کرد براساس بند ۳۰ بخش ج قرارداد، کارهای اضافی انجام دهد. در این بند ترتیبات اداری مربوط به اینگونه درخواستها ذکر و در قسمت ذیربط مقرر شده که «کارهای اضافی یا تغییرات مشمول ضمانتنامه اجرایی بوده که طبق قرارداد تهیه شده حتی اگر دستور کار، بدون اطلاع به ضامن صادر شده باشد» برای تضمین افزایش حاصل در کل ارزش دلاری قرارداد از مبلغ /- ۱,۰۶۰,۰۰۰ دلار به ۱۰/۱,۲۷۸,۹۳۴ دلار، خواهان ترتیبی داد که مبلغ ضمانتنامه افزایش داده شود و مبلغ /- ۱,۵۸۷ دلار به کارمزد آن اضافه شد. یونایتد پینتینگ اظهار می‌دارد که چون در آخرین پرداخت لاپکو به موجب قرارداد، مبلغ اضافی کارمزد منظور نشده بود، وی صورتحساب مورخ هشتم دیماه ۱۳۵۷ [۲۹ دسامبر ۱۹۷۸] واسطه بیمه خود را به آقای یزدانی ارسال داشت تا لاپکو آن را پرداخت کند. پس از مطالبه پرداخت از طرف واسطه بیمه، که در مکاتبات تسلیمی به دیوان مشهود است، یونایتد پینتینگ اضافه کارمزد را حسب ادعا راساً پرداخت کرد. دیوان منطقی می‌داند که نتیجه بگیرد این مبلغ واقعا پرداخت شده است.

۴۹ - یونایتد پینتینگ ادعای پرداخت این مبلغ و بهره آنرا بر مبنای نقض تعهدات قراردادی لاپکو به پرداخت مبلغ کارمزد ضمانتنامه به پیمانکار، که قرار بود شامل کل ارزش قرارداد باشد، مطرح میکند. خواهان اظهار می‌کند که به استدلال دیگر، لاپکو براساس اصل داراشدن غیرعادلانه، مسئول پرداخت آن است. شرکت نفت در پاسخ اظهار می‌دارد که در بند ۳۰ بخش ج قرارداد، تهیه ضمانتنامه جدیدی مقرر نبوده و قرار بود کار اضافی طبق ضمانتنامه اصلی انجام شود. شرکت نفت اشاره می‌کند که خواهان مدرکی حاکی از درخواست لاپکو برای تهیه ضمانتنامه اضافی ارائه نداده است و نهایتاً به بند ۳۲ بخش ج قرارداد استناد می‌کند که پیمانکار را ملزم می‌کند برخی مطالبات مربوط به جبران هزینه‌های اضافی را ظرف ده روز از حادثه موجب بروز مطالبه تسلیم نماید.

۵۰ - قرارداد در موضوع مسئولیت پرداخت هزینه‌های ضمانتنامه اصلی حسن انجام کار روشن و طبق آن هزینه‌ها برعهده لاپکو است، ولی در مورد هزینه ضمانتنامه اضافی صراحت کمتری دارد. دیوان بدواً ملاحظه می‌کند که لاپکو به عنوان یک مؤسسه تجاری که از خدمات اشخاص ثالث استفاده می‌کند، منطقیاً نمی‌توانست انتظار داشته باشد که ۲۵٪ افزایش مبلغ قرارداد، موجب افزایش حق بیمه نخواهد شد. باید چنین تلقی کرد که لاپکو می‌دانسته که بهای هر ضمانتنامه با میزان ضمانت ضامن که در ضمانتنامه مشخص می‌شود رابطه دارد. معهداً، در حالیکه طرفین در بند ۳۰ بخش ج توافق کردند که کار اضافی نیز مشمول تضمین مقرر خواهد بود، در این بند، موضوع مسئولیت هزینه ناشی از آن را مشخص نکردند. باتوجه به آگاهی آنها از این هزینه، این سکوت موجب می‌شود که اشاره آن بند به ضمانتنامه اصلی، که لاپکو جبران هزینه آن را در بند ۱۵ بخش الف قرارداد تعهد کرده بود، حائز اهمیت باشد.

۵۱ - دیوان ملاحظه می‌کند که قرینه‌ای وجود ندارد که لاپکو هنگام قبول این تعهد از مبلغ کارمزد ضمانت اصلی اطلاع داشته است. نه در مکاتبات لاپکو با شرکای شرکت درباره ضمانتنامه، و نه در قرارداد یا پیشنهاد مناقصه پیمانکار ذکری از بهای آن به میان نیامده. صورتحساب بابت کارمزد ضمانتنامه اصلی به تاریخ اول آذر ۱۳۵۶ [۲۲] نوامبر ۱۹۷۷] یعنی سه هفته بعد از تاریخ قرارداد است.

۵۲ - دیوان متقاعد گردیده که یونایتد پینتینگ هم در اجرای کار اضافی و هم در تعدید ضمانتنامه اجرایی دلیل منطقی داشته است. باتوجه به رابطه طرفین، این فرض منطقی است که در غیراینصورت لاپکو اعتراض می‌کرد و بنابراین یونایتد پینتینگ متحمل هزینه اضافی نمی‌شد. در مورد بند ۳۲ بخش ج، که مقرر می‌دارد مطالبات «دستمزد اضافی» باید ظرف ده روز تسلیم گردد، دیوان ملاحظه می‌کند که این شرط تنها به مطالبات بابت جبران هزینه‌های اضافی «به دلیل اقدام یا غفلت لاپکو، یا در صورتیکه پیمانکار کار مطالبه شده از خود را خارج از اقدامات قرارداد بداند یا در

صورتیکه مدارک یا دستور نماینده لاپکو را غیر منصفانه بدانند" مربوط می‌شود. این بند ارتباطی به کار اضافی که لاپکو و پیمانکار طبق قرارداد پذیرفته‌اند ندارد. دلیل دیگر آن این است که موضوع دستمزد این نوع کارها صریحا در بند ۳۰ بخش ج قرارداد مطرح شده است. دیوان به دلیل مذکور معتقد است که پیمانکار موظف نبود مطالبه خود را طبق رویه مقرر در بند ۳۲ بخش ج قرارداد تسلیم کند.

۵۳- باتوجه به مراتب پیشگفته، دیوان شرکت نفت را مسئول پرداخت کارمزد اضافی ضمانتنامه به مبلغ /- ۱،۵۸۷ دلار آمریکا می‌داند. یونایتد پینتینگ از تاریخی که لاپکو باید این مبلغ را می‌پرداخته، یعنی تاریخی که این مبلغ را به شرکت ضامن پرداخته، مطالبه بهره می‌کند و اظهار می‌دارد که این تاریخ هشتم دی‌ماه ۱۳۵۷ [۲۹ دسامبر ۱۹۷۸] بوده است. دیوان ملاحظه می‌کند که این تاریخ در واقع تاریخ صورتحساب شرکت ضامن است و نامه واسطه بیمه برای مطالبه پرداخت این مبلغ، که خواهان تسلیم نموده، نشان می‌دهد که این مبلغ تا تاریخ نهم اردیبهشت ۱۳۵۹ [۲۹ آوریل ۱۹۸۰] هنوز پرداخت نشده بوده است. با توجه به این مطلب، دیوان مقرر می‌دارد که بهره از تاریخ ۱۱ خرداد ۱۳۵۹ [اول ژوئن ۱۹۸۰] تا تاریخ پرداخت به موجب حکم حاضر، به نرخ ۱۰ درصد در سال، قابل پرداخت است.

#### ب - مصادره تجهیزات

۵۴- یونایتد پینتینگ اظهار می‌دارد که ایران دستگاه‌های سنباده‌کشی و رنگکاری وی را که پس از خاتمه کار در جزیره لاوان باقی مانده بود با ندادن اجازه خروج و قصور در برگرداندن آنها از آن تاریخ تاکنون، عملا مصادره کرده است. طبق اظهار خواهان، که فهرستی از آن اقلام و نسخ صورتحسابهای مربوطه را تسلیم کرده، این تجهیزات در محوطه محصورى انحصارا تحت کنترل و نظارت لاپکو نگاهداری می‌شد، و این مطلب را آقای هریس، یکی از مدیران سابق لاپکو، تأیید کرده است. یونایتد



پینتینگ اظهار می‌دارد که آقای یزدانی در مه ۱۹۷۹ از طرف خواهان کوشش کرد ترتیبی برای انتقال آن تجهیزات بدهد. خواهان نسخه تلکسی را که آقای یزدانی در نهم خرداد ۱۳۶۸ [۳۰ مه ۱۹۷۹] مخابره کرد تسلیم نموده، که قسمت مربوطه آن به شرح زیر است:

عطف به قرارداد مشارکت ما ضرورت دارد شما فوراً به تهران آمده و مسائل را با کمیته دولت جدید انقلابی اسلامی مورد مذاکره و حل و فصل قرار دهید. بطوریکه اطلاع دارید سیستم حکومتی ما تغییر کرده و کمیته دولت جدید انقلابی اسلامی بمنظور بررسی حقوقی کلیه مدارک تفصیلی که طی توقف شما در تهران باید در دسترس باشد قرارداد مشارکت ما را مورد بررسی قرار خواهد داد. از طرف دیگر مقررات ارزی مورد محدودیتهای شدید قرار گرفته و پس از کسب اجازه از کمیته مذکور از طرف بانک مرکزی ایران بموقع اجرا گذاشته میشود. بنابراین لازم است که هر چه زودتر به این مسافرت مبادرت نمایید و در ضمن بلادرنگ ترتیب انتقال کلیه تجهیزات را تا امکان آن موجود است بدهید.

خواهان اظهار می‌دارد که این نشانه آن است که به آقای یزدانی گفته شده بود تا آقای استاین در کمیته انقلاب حاضر نشود خروج تجهیزات امکان نخواهد داشت. ولی حوادث انقلابی که در آن زمان جریان داشت مانع شد که آقای استاین به ایران سفر کند.

۵۵ - حسب ادعاء خواهان در دوم آذر ۱۳۵۸ [۲۳ نوامبر ۱۹۷۹] این تجهیزات را به کلارک پینتینگ کورپوریشن ("کلارک") که یک شرکت امریکایی است، به مبلغ ۱۶۶،۸۱۰/ـ دلار فروخت. آقای استاین در این تاریخ تلکسی به آقای یزدانی ارسال کرد که قسمت مربوط آن به این شرح است: "ضرورت دارد که شما درباره فروش ادوات ما به کلارک پینتینگ به مبلغ ۱۶۶،۸۱۰ دلار با اینجانب با تلفن تماس بگیرید. ادوات باید به وسیله کلارک در جزیره لاوان برداشته شده و به محل کار وی در ابوظبی انتقال داده شود... متمنی است با لاپکو تماس حاصل نموده و ترتیب حرکت

دادن ادوات ما را از محلشان بدهید.

طبق اظهار خواهان، مجدداً به آقای یزدانی اطلاع داده شد که قبل از آنکه بتوان تجهیزات را خارج کرد شریک ایشان در شرکت مختلط باید در ایران حاضر شود. چون آقای استاین نمی‌توانست در ایران حاضر شود، فروش انجام نشد. یونایتد پینتینگ استدلال می‌کند که تحمیل چنین شرطی در اوضاع و احوال حاکم بر ایران در حکم دخل و تصرف ناموجه در حقوق مالکیت و به منزله سلب مالکیت اموال وی بود. خواهان ایران را مسئول خساراتی معادل عواید فروش قابل دریافت از کلارک می‌داند.

۵۶ - ایران پاسخ می‌دهد که مدرکی حاکی از اینکه ایران از اموال منتفع شده یا مانعی در برابر خروج اموال ایجاد کرده باشد ارائه نشده و ادعا می‌کند که مالک تجهیزات آنها را رها کرده و صادره آنها ثابت نشده است. شرکت نفت استدلال می‌کند که اگر سلب مالکیتی صورت گرفته بود خواهان بعداً قصد فروش اموال خود را، بصورتی که کرده، نمی‌نمود. شرکت نفت دو استدلال دیگر دارد که مبتنی بر قرارداد است. وی اشاره می‌کند که بند ۹-۱ بخش د قرارداد فقط لاپکو را ملزم می‌کرد که محل انبار و دفتر کار در اختیار پیمانکار بگذارد مگر اینکه مقدر نباشد که در آنصورت پیمانکار خود باید ترتیب آن را فراهم کند. خوانده استدلال می‌کند این شرط برای آنکه لاپکو را مسئول حفظ اموال شناخت کافی نیست. شرکت نفت همچنین اظهار می‌دارد که شرکت مختلط می‌بایست اعتراض خود را طبق بند ۳۲ بخش ج تسلیم می‌کرد. در مورد مبلغ خسارت مورد ادعا، شرکت نفت اظهار می‌کند که این مبلغ استهلاک ارزش اقلام را منعکس نمی‌کند و ضمناً شامل غرامت بابت تجهیزاتی که لاپکو خریداری و بهای آنها را پرداخت کرده بود نیز می‌باشد.

۵۷ - دیوان سه استدلال اول شرکت نفت را در رابطه با ادعای سلب مالکیت رد می‌کند. قصد خواهان به فروش اموال مانع اقامه ادعای سلب مالکیت نمی‌شود زیرا قبل از

زمانی بود که حسب ادعاء ادعای سلب مالکیت بروز کرد. به علاوه، ترتیبات قراردادی مربوط به انبارکردن تجهیزات در جزیره لاوان مستقیماً با تصمیم دیوان ارتباط ندارد زیرا استناد یونایتد پینتینگ به نقض قرارداد نیست بلکه به اعمال موجب سلب مالکیت است و به این دلیل، استناد شرکت نفت به بند ۳۲ بخش ج قرارداد، قابل قبول نیست.

۵۸- در ص ۴۷ قرار اعدادی شماره ۱-۲۴-۳۲ مورخ ۲۸ آذر ۱۳۶۲ [۱۹] دسامبر ۱۹۸۳] صادره در پرونده استارت هاوژینگ کورپوریشن و سایرین و دولت جمهوری اسلامی ایران و سایرین، منتشره در 4 Iran-U.S. C.T.R. 122, 154، دیوان اظهار داشت که «اقدامات یک دولت در حقوق مالکانه ممکن است تا حدی مداخله آمیز باشد و آن حقوق را طوری بیفایده نماید که می‌بایست آنرا سلب شده تلقی نمود، ولو اینکه دولت آنرا سلب شده اعلام نکرده و مالکیت مال رسماً به نام مالک اصلی باقی بماند». سلب مالکیت من باب مثال موقعی رخ می‌دهد که مالک از امکان «کنترل» استفاده موثر و مزایای حقوق مالکانه خود محروم شود. همان ماعخذ، ص ۴۷، منتشره در 4 Iran-U.S. C.T.R. at 154. در اینجا باید توجه داشت که «قصد دولت اهمیت کمتری از آثار اقدامات دولت بر صاحب مال داشته و شکل کنترل یا دخل و تصرف از واقعیت اثر آن کنترل و مداخله حائز اهمیت کمتری می‌باشد». برای نمونه رجوع شود به ص ۱۱ حکم شماره ۲-۷-۱۴۱ مورخ هشتم تیر ۱۳۶۳ [۲۹ ژوئن ۱۹۸۴] صادره در پرونده تیتس، ایت، مک کارتی، استراتن و شرکت مهندسین مشاور تامز- آف‌آء ایران و سایرین، منتشره در 6 Iran-U.S. C.T.R. 219, 225-26. ولی این امر خواهان را که مدعی است اموال وی مصادره شده از تعهد اثبات میزان معینی از مداخله دولت معاف نمی‌دارد.

۵۹- در رابطه با این استدلال که ایران به‌طور غیر قانونی در حقوق مالکانه وی نسبت به تجهیزات باقی مانده در جزیره لاوان بعد از اتمام پروژه دخل و تصرف کرده، یونایتد

پینتینگ، بدواً به تلکس مورخ نهم خرداد ۱۳۵۸ [۳۰ مه ۱۹۷۹] آقای یزدانی استناد می‌کند. خواهان از این پیام نتیجه می‌گیرد که به آقای یزدانی گفته شده بود تا آقای استاین شخصاً در ایران حاضر نشود نمی‌توان تجهیزات را از محل خارج کرد. یونایتد پینتینگ اظهار می‌دارد که آقای یزدانی هنگامی که برای بار دوم در نوامبر ۱۹۷۹ برای خروج اموال به لاپکو مراجعه کرد همان پیام را دریافت کرد. دیوان ملاحظه می‌کند که تلکس مورخ هشتم خرداد ۱۳۵۸ [۳۰ مه ۱۹۷۹] تنها مدرک مستندی است که خواهان تسلیم داشته تا اظهار خود را تأیید کند که شرکت نفت امتناع کرده بود بدون حضور شخص آقای استاین در کمیته انقلاب در ایران، اجازه خروج اموال را بدهد. بنابراین دیوان باید تعیین کند که آیا این سند مداخله دولت را ثابت می‌کند یا خیر.

۶۰ - دیوان با خواهان موافق است که در اوضاع و احوال این پرونده، انتظار نمی‌رفت که آقای استاین بتواند شرط حضور در ایران را برای مذاکره درباره ترخیص تجهیزات ایفا کند. ولی تلکس مزبور دیوان را قانع نمی‌کند که چنین شرطی تحمیل شده بود. در عین حال که از این تلکس روشن است که حضور آقای استاین برای بررسی "اجرای قرارداد مشارکت ... و بازرسی از کلیه اسناد" درخواست شده بود، جای تردید است که این الزام شامل ترخیص تجهیزات نیز می‌شد. به ویژه، محتوای قسمت آخر تلکس برای دیوان قانع کننده نیست. در پایان تلکس آمده است که "بنابراین لازم است که هرچه زودتر به این مسافرت مبادرت نمایید و ... ترتیب انتقال کلیه ادوات را تا امکان آن موجود است بدهید." گرچه این قسمت حاکی است که آقای یزدانی از آقای استاین می‌خواست که از این فرصت برای ترتیب دادن این موضوع هم استفاده کند، برای تأیید این نتیجه‌گیری که حضور آقای استاین در ایران شرط مقدم برای انتقال تجهیزات بود کافی نیست. فروش ادعایی بعدی تجهیزات توسط خواهان به کلارک و تا حدودی، فروش بعضی اقلام به لاپکو، ظاهراً نشانه این است که آقای استاین نیز استنباط دیگری از تلکس کرده بود. رجوع شود به بندهای ۶۷-۶۸ زیر. باتوجه به

جمع جهات، دیوان مدارک تسلیمی یونایتد پینتینگ را برای توجیه نظر مبنی بر مداخله دولت بسیار ضعیف می‌داند و بنابراین ادعای مبتنی بر سلب مالکیت را رد می‌کند.

۶۱ - اینکه مداخله منجر به مصادره ثابت نشده، مانع از آن نیست که دیوان بررسی کند که آیا براساس "سایر اقدامات موثر در حقوق مالکیت"، که در بند ۱ ماده ۲ بیانیه حل و فصل دعاوی پیش‌بینی شده، مسئولیتی وجود دارد یا خیر. رجوع شود به بند ۵۹ حکم جزئی شماره ۳-۲۲۷-۳۲۹ صادره در پرونده ایستمن کسداک، منتشره در *at 169 17 Iran-U.S. C.T.R.* بدین ترتیب دیوان نمی‌تواند این واقعیت را نادیده گیرد که شرکت نفت در این موضوع بحثی نمی‌کند که تجهیزات مورد استفاده پیمانکار در جزیره لاوان را باید به سود وی (شرکت نفت) از دست رفته تلقی کرد. شرکت نفت نه توضیحی درباره محل تجهیزات و نه پیشنهادی درباره ترتیب خروج آنها داده است، ظاهراً بدین دلیل که خود را متعهد به حفظ آنها نمی‌دانسته است. لذا این موضوع مطرح می‌شود که آیا شرکت نفت چنین تعهدی داشته یا خیر.

۶۲ - مطلب موثر در مقام در اینجا، نگاهداری تجهیزات است. بند ۹-۱ بخشی د قرارداد در قسمت ذیربط مقرر می‌دارد که:

پیمانکار باید از محلی که لاپکو برای دفتر، انبار نگاهداری و احداث در اختیار وی می‌گذارد طبق دستور لاپکو استفاده کند. هرگاه لاپکو محل انبار کافی فراهم نکرده و محل کار در اختیار لاپکو نباشد، پیمانکار به نحوی که از خسارت به اینگونه مصالح یا تجهیزات جلوگیری کند محل انباری تهیه خواهد کرد.

منظور از این مواد تعیین مسئولیت انبارکردن تجهیزات در مدت قرارداد بود و تا حدودی مبهم است. ولی طرفین قبول دارند که قرارداد کاملاً اجرا شده همانطور که آخرین پرداخت توسط لاپکو نشان می‌دهد. در نتیجه مسئولیت بعدی طرفین مشخصاً

تابع قرارداد نیست. معیذا دیوان معتقد است که اشاره طرفین به این بند برای ارزیابی دیوان از آن مسئولیتها مفید است.(۲)

۶۳ - طبق اظهار شرکت نفت، بند ۹-۱ بخش د "صریحا" اشاره می‌کند چنانچه برای واحد مجری در اختیار گذاشتن امکانات واگذاری فضای کافی به دلایلی مقدور نباشد، پیمانکار شخصا بدین کار مبادرت می‌نماید. در این اظهارنظر بیان نشده که در واقع پیمانکار بود که مسئولیت تهیه محل انبار را برعهده گرفت. در این زمینه دیوان اظهارات شرکت نفت را ملاحظه می‌کند که می‌گوید "اما مطالعه متن کامل قرارداد منعکس کننده این حقیقت می‌باشد که واحد مجری یا کارفرما صرفا مکلف به ایجاد تسهیلات لازم به لحاظ واگذاری فضای کافی برای تأسیس دفتر کار و انبار پیمانکار بوده است." اینکه در واقع کارفرما طبق این مسئولیت عمل کرده، با اظهارات آقای هریس، که سنباده کشی و رنگکاری مخزن را از طرف لاپکو نظارت می‌کرده تأیید می‌شود. وی شهادت داد که "شرکت کمورلد- یونایتد تمام آلات و ادوات لازم را که برای انجام کار خریداری کرده بود یا در انبار لاپکو در جزیره لاوان نگاهداری می‌کرد و یا نزد آن شرکت به امانت گذاشته بود. آلات و ادوات مذکور هنگامیکه من در ژانویه ۱۹۷۹ ایران را ترک کردم هنوز در انبار موجود بود." آقای هریس همچنین شهادت داده که طی خدمت وی در ایران که از ۱۹۷۰ آغاز گردید، تمام جزیره لاوان تحت کنترل لاپکو قرار داشت و پس از ژانویه ۱۹۷۹ کلیه عملیات در جزیره

---

(۲) باتوجه به ملاحظات مندرج در این بند دیوان لازم نمی‌داند تعیین کند کدام طرف ضمن اجرای کار یعنی قبل از اوت ۱۹۷۸ مسئول محافظت از اموال بود. شرکت نفت در این باره اظهار می‌دارد که "لاوان فقط مسئول تامین محل انبار و دفتر بود" ولی "کنترل یا نظارتی بر اموال شرکت مختلط نداشت". لیکن دیوان ملاحظه می‌کند که بند ۹-۱ بخش د رابطه‌ای بین شرط تامین محل انبار و نظارت بر مصالح انبار شده دارد. بند مزبور، وظیفه "ممانعت از ورود خسارت به مصالح یا تجهیزات" را تنها هنگامی بر عهده پیمانکار می‌گذارد که پیمانکار (نه لاپکو) عملا محل انبار را تهیه کند.

لاوان و کلیه اموال موجود در آنجا مستقیماً تحت کنترل شرکت نفت قرار گرفت. شرکت نفت در بخش مربوط به پاسخ خود به شهادتنامه هریس، به این اظهار که لاپکو محل انبار لازم در جزیره لاوان را در اختیار شرکت مختلط قرار داده بود، اعتراض نمی‌کند.

۶۴ - دیوان از مدارک موجود نتیجه می‌گیرد که تجهیزات در انبار لاپکو گذاره شده بود. یکی از اصول پذیرفته حقوقی این است که اینگونه شرایط برای واحد مسئول، معمولاً ایجاد تعهد می‌کند که از اموال اشخاص ثالث که در کنترل انحصاری وی قرار گرفته حفاظت کند. به این دلیل دیوان معتقد است که طبق مفهوم بند ۱ ماده ۲ بیانیه حل و فصل دعاوی، اصولاً، باید شرکت نفت را مسئول از دست رفتن تجهیزات دانست. رجوع شود به ص ۱۸ حکم شماره ۲-۲۸۵-۱۹۲ مورخ ۱۲ مهر ۱۳۶۴ [چهارم اکتبر ۱۹۸۵] صادره در پرونده جنرال داینامیکس تلفن سیستمز سنتر اینکورپوریتد و سایرین و جمهوری اسلامی ایران و سایرین، منتشره در 9 Iran-U.S. C.T.R. 153, 165

۶۵ - ولی اگر دیوان نظر می‌داد که اعمال خواهان به کیفیتی بود که حمل بر ترک و اعراض از اموال می‌شد، مسئولیت شرکت نفت نسبت به اموال ساقط می‌گردید. دیوان قسمت آخر بند ۹-۱ بخش د قرارداد را در این موضوع موثر در مقام می‌داند. در این بند اشعار شده که «پیمانکار باید در پایان کار تجهیزات موقت را به نحوی که مورد رضایت مقامات یا صاحبان اموال مربوطه باشد از محل کارگاه خارج کند». بنابراین تحت شرایط عادی، خواهان می‌بایست ظرف مدت معقولی پس از اوت ۱۹۷۸ که پروژه تمام شد اموال خود را خارج می‌کرد. این ماده مشخصاً درباره طول این مدت بحث نمی‌کند و فقط می‌گوید «به نحوی که مورد رضایت مقامات» باشد. دیوان ملاحظه می‌کند که در مدارک سندی وجود ندارد که مقامات، یعنی لاپکو، شرکت نفت یا یک نماینده دولت ایران، هرگز درخواست کرده باشند که اموال (از محل) خارج شود. در واقع به نظر

ایران، هرگز درخواست کرده باشند که اموال (از محل) خارج شود. در واقع به نظر می رسد که لاپکو عالماً اجازه داد تجهیزات کماکان در محل انبار بماند همانطور که خرید بعضی از اقلام تجهیزات از ماه مه ۱۹۷۹ به بعد نشان می دهد. رجوع شود به بندهای ۶۸-۶۷ زیر.

۶۶ - مدارک نشان می دهد که اولین کوشش برای خارج کردن اموال در اردیبهشت ۱۳۵۸ [مه ۱۹۷۹] به عمل آمد. بنابراین موضوعی که پیش می آید این است که آیا قصور خواهان در خارج کردن اموال خود بین سپتامبر ۱۹۷۸ و مه ۱۹۷۹ را باید به عنوان اعراض تفسیر کرد یا خیر. دیوان ملاحظه می کند که آقای استاین در نتیجه ابتلای به بیماری در ماه اوت ۱۹۷۸، از اواخر سپتامبر تا پایان دسامبر همان سال در بیمارستان نیویورک بستری و پس از آن نیز تا اواسط سال ۱۹۷۹ ملزم به استراحت در خانه بوده است. در نتیجه، طی این مدت از وی انتظار نمی رفت که موضوع تجهیزات باقی مانده در ایران را تعقیب کند. به علاوه، دیوان قبلاً نظر داده است که در اواخر ۱۹۷۸ و اوایل ۱۹۷۹ در ایران شرایط فورس ماژور وجود داشت. برای نمونه رجوع شود به بندهای ۵۰-۴۰ قرار اعدادی شماره ۳-۱۶۷-۶۵ مورخ ۱۹ آذر ۱۳۶۵ [دهم دسامبر ۱۹۸۶] صادره در پرونده اناکاندا ایران اینکوریپتد و دولت جمهوری اسلامی ایران و سایرین، منتشره در 13 Iran-U.S. C.T.R. 199, 211-13 (و پرونده های مذکور در آن). این شرایط که در جزیره لاوان نیز حاکم بود چنان بود که قصور خواهان در خارج کردن اموال قبل از مه ۱۹۷۹ را نمی توان در حکم اعراض دانست. بنابراین دیوان نتیجه می گیرد که شرکت نفت مسئول خساراتی است که به یونایتد پینتینگ وارد شده است.

۶۷ - دیوان اینک باید ارزش تجهیزات را تعیین کند. خواهان فهرستی از تجهیزات را که حسب ادعا مورد بحث است و نسخ صورتحسابهای هریک را تسلیم کرده است. شرکت نفت ضمن اینکه کلاً اعتراضی به فهرست نکرده ادعا می کند که برخی اقلام در



فهرست مزبور در واقع به لاپکو فروخته شده بود، و در تاعیید آن، صورتحساب فروش را که آقای یزدانی از طرف شرکت مختلط به لاپکو ارسال داشته بود تسلیم کرده است. اقلامی که در صورتحساب مشخص شده شامل یک خانه متحرک، چند وسیله رنگکاری و یک وانت است. شرکت نفت همچنین اسناد بانکی موید پرداخت لاپکو بابت این اقلام و مکاتبات داخلی حاوی مشخصات بیشتر این اقلام خریداری شده را تسلیم کرده است. یونایتد پینتینگ پاسخ می‌دهد که محرز نشده که این اقلام منطبق با اقلام فهرست باشد.

۶۸ - دیوان پس از بررسی کامل مدارک نتیجه می‌گیرد که اقلام مندرج در فهرست تحت عنوان ۵ سی، ۵ ک، ۵ ام، ۵ او ( شیلنگ ۳/۸ اینچ و انژکتورهای بادی) و ۵ زی ۱ (یک عدد) قبلاً به لاپکو فروخته شده بود و بنابراین، این اقلام که طبق ادعای یونایتد پینتینگ قیمت مجموع آنها ۲۰،۷۱۶ دلار امریکا است باید از ارزیابی خسارت خواهان مستثنی شود.

۶۹ - یونایتد پینتینگ اظهار می‌دارد که میزان صحیح خسارت وی مبلغی است که از فروش تجهیزات به کلارک عاید او می‌شد. خواهان به عنوان مدرک توافق این فروش، که در شهادتنامه آقای استاین تاعیید شده، تلکس مورخ ۱۸ آبان ۱۳۵۸ [نهم نوامبر ۱۹۷۹] را که به کلارک ارسال داشته تسلیم می‌کند. متن این تلکس چنین است: "ما امروز یا دوشنبه فهرست اقلام تجهیزات موجود در ایران را برای شما ارسال خواهیم کرد. برای ارسال به وسیله تلکس طولانی می‌باشد. در تلکس دیگری به تاریخ دوم آذر ۱۳۵۸ [۲۳ نوامبر ۱۹۷۹] که توسط خواهان تسلیم شده، آقای استاین به آقای یزدانی در مورد انتقال اموال به کلارک دستورهایی داد. از جمله در قسمت ذیربط اشعار می‌دارد که "ضرورت دارد که شما درباره فروش ادوات ما به کلارک پینتینگ به مبلغ ۱۶۶،۸۱۰ دلار با اینجانب با تلفن تماس بگیرید."

۷۰ - دیوان بر این نظر است که اسنادی که خواهان ارائه داده علی الظاهر دلالت دارد که توافق فروش تجهیزات به کلارک انجام شده بود. شرکت نفت این مدارک را رد نکرده بلکه برعکس اظهار می‌دارد که «خواهان ... قراردادی را با شرکت ثالثی جهت فروش اموال منعقد ساخته است» و «به اعتراف خود خواهان چنین قراردادی منعقد شده است». دیوان ملاحظه می‌کند که شرکت نفت در اظهاریه دیگری که در اول اردیبهشت ۱۳۶۶ [۲۱ آوریل ۱۹۸۷] تسلیم کرد، استدلال می‌کند که اظهارات آقای استاین مبنی بر اینکه در دوم آذر ۱۳۵۸ [۲۳ نوامبر ۱۹۷۹] اموال را فروخته محکوم به رد است زیرا تقسیم داراییهای شرکت مختلط ثابت نشده است. برای دیوان روشن نیست که آیا منظور از این اظهارات رد این مطلب است که یونایتد پینتینگ خود منفرداً طرف فروشنده بود یا اینکه رد واقعیت فروش به طور کلی می‌باشد. در صورتیکه منظور موضوع اخیرالذکر باشد، هرچند که مطالب نقل شده فوق از لوایح شرکت نفت خلاف آن را نشان می‌دهد، دیوان ملاحظه می‌کند اینکه تقسیم اموال احتمالاً صورت نگرفته مانع فروش اموال از طرف شرکت مختلط نمی‌شود همانطور که فروش برخی اقلام به لاپکو نشان می‌دهد.

۷۱ - با توجه به مراتب پیشگفته، دیوان اینک باید اظهارات خواهان را مبنی بر اینکه قیمت توافق شده با کلارک ۱۶۶،۸۱۰ دلار بود بررسی کند. دیوان ملاحظه می‌کند که در تلکس یونایتد پینتینگ به کلارک این قیمت یا قیمت دیگری برای فروش ذکر نشده. تنها سندی که در آن این قیمت صریحاً ذکر شده تلکس آقای استاین به آقای یزدانی است و هیچ تأییدی توسط کلارک به دیوان تسلیم نشده است. ولی در تلکس یونایتد پینتینگ به یک فهرست تجهیزات اشاره شده است. گرچه خواهان درباره این نکته بحث نکرده، این فرض معقول است که این فهرست مطابق با فهرستی است که در این رسیدگی ارائه گردیده، و باید چنین باشد زیرا جمع ارزش دلاری اقلامی که در آن ذکر شده دقیقاً با قیمت‌های فروش که در تلکس ارسالی به آقای یزدانی ذکر شده مطابقت دارد.

۷۲ - دیوان ملاحظه می‌کند که این قیمت‌های فروش بالاتر از مجموع مبلغ تمام صورتحساب‌های اولیه است. اظهارات خواهان مبنی بر اینکه قیمت توافق شده با کلارک معادل نیمی از ارزش جایگزینی است به این مفهوم است که قیمت جایگزینی تجهیزات ظرف دو سال دو برابر می‌شده است و این امر به نظر دیوان غیرمحمول است. به علاوه، بسیاری از تجهیزات مستعمل بوده و به احتمال زیاد بعد از دو سال از تاریخ خرید آنها برای پروژه، مستهلک شده بود. حتی اگر هزینه حمل و نقل از ایالات متحده به ایران هم در آن منظور شود، در قیمت‌های فروشی که حسب ادعا با کلارک توافق گردیده به اندازه کافی این افت قیمت، منعکس نیست. دیوان همچنین ملاحظه می‌کند از فهرست تجهیزات معلوم می‌شود که قیمت ادعایی فروش تجهیزات، شامل اقلامی که قبلاً به لاپکو واگذار و بهای آنها پرداخت شده بود نیز می‌باشد.

۷۳ - عوامل فوق این تردید را ایجاد می‌کند که آیا توافق صریحی راجع به قیمت‌های فروش ادعایی با کلارک وجود داشته یا خیر. به لحاظ این تردید، دیوان آن قیمت‌ها را برای تعیین ارزش تجهیزات مبداء<sup>۶</sup> قرار نمی‌دهد. ولی همانطور که قبلاً بحث شد، شرکت نفت مدارکی تسلیم کرده که نشان می‌دهد لاپکو برخی از اقلام تجهیزات را از شرکت مختلط خریداری کرده بود. رجوع شود به بندهای ۶۸-۶۷ فوق. بهایی که لاپکو بابت این تجهیزات پرداخته تا حدودی دیوان را در مورد ارزش تجهیزات در اواخر نوامبر ۱۹۷۹ رهنمون می‌شود (۳). دیوان از مقایسه این قیمت با قیمت اولیه خرید، نتیجه می‌گیرد که لاپکو در اکتبر ۱۹۷۹ تقریباً ۷۴٪ قیمت اولیه تجهیزات مورد بحث را پرداخته است ولی دیوان تشخیص می‌دهد که لاپکو فقط اقلام محدودی از تجهیزات را که احتمالاً با ارزش‌تر یا بهتر نگهداری شده بود، خریداری کرده بود.

---

(۳) با توجه به اینکه فروش تجهیزات به کلارک انجام نشده، این تاریخ نزدیکترین تاریخی است که باید تجهیزات خواهان را از دست رفته تلقی کرد.

باتوجه به این امر، دیوان نظر می‌دهد که ارزش تجهیزات در اواخر نوامبر ۱۹۷۹، به استثنای اقلیمی که به لاپکو فروخته شده بود، تقریباً معادل ۶۰٪ قیمت اولیه خرید، یعنی ۹۰،۰۰۰ دلار بوده است.

۷۴ - با توجه به مطالب پیشگفته و با درنظر گرفتن ملاحظات مندرج در بند ۳۱ فوق، دیوان شرکت نفت را متعهد می‌داند که پنجاه درصد ارزش تجهیزات یعنی مبلغ ۴۵،۰۰۰ دلار به علاوه بهره ساده آن به نرخ ده درصد در سال از دهم آذر ۱۳۵۸ [اول دسامبر ۱۹۷۹] تا تاریخ پرداخت مبلغ حکم به خواهان بپردازد.

#### ج - وجوه حسابهای بانکی

۷۵ - دیوان اینک به ادعای یونایتد پینتینگ بابت وصول وجوه حسابهای بانکی می‌پردازد. یونایتد پینتینگ این ادعا را براظهارات زیر مبتنی می‌دارد.

۷۶ - حسابهای بانکی برای دریافت و پرداخت وجوه مربوط به پروژه لاپکو مورد استفاده بود. هنگام صدور چک از حساب دلاری، ریال تودیع شده در حساب ریالی به دلار تبدیل می‌شد. آقای استاین و آقای یزدانی در جلسه‌ای که در پایان کار در اوت ۱۹۷۸ داشتند، آخرین چکهایی را که باید از حسابها برداشت می‌شد صادر کردند. طبق محاسبات آنها، پس از کسر وجوه این چکها و وصول کلیه مطالبات شرکت مختلط، تقریباً مبلغ ۲۸،۰۰۰ دلار در حساب باقی می‌ماند. خواهان در تأیید این اظهار نسخ اوراق مربوطه دفتر حساب را از مدارک خود و نیز یادداشتهایی از آن جلسه را ارائه داده است. وی نسخ صورتحسابهای بانکی یا معادل آنها را تسلیم نکرده است.

۷۷ - آخرین چکهایی که از حساب دلاری صادر شده شامل دو طغری چک هریک به مبلغ ۵۰،۰۰۰ دلار بابت خدماتی است که برای شرکت مختلط انجام شده بود. یکی از

چکها در وجه یونایتد اینداستریال کوتینگ کورپوریشن، شرکت تشکیل یافته در لویزیانا است که متعلق به خانواده استاین بود و دیگری در وجه شخص آقای استاین است. شرکای شرکت مختلط توافق کردند که تا زمانی که آقای یزدانی وصول آخرین پرداخت لاپکو را اطلاع نداده آقای استاین این چکها را برای وصول به بانک ارائه ندهد. در نوامبر ۱۹۷۸ آقای استاین چکها را برای پرداخت به بانک آو نیو یورک ارائه داد. در آوریل ۱۹۷۹ بانک آو نیو یورک به وی اطلاع داد که چکها نکول شده‌اند. (۴) در مورد چکهای دیگری که در اوت ۱۹۷۸ صادر شده بود، چنین وضعی پیش نیامد. در دو فقره اطلاعیه نکول چکها که خواهان تسلیم کرده نوشته شده: «بدینوسیله وجه چکی را که به دلیل زیر برگشت داده شده از حساب شما کسر و چک را مسترد می‌داریم: مقررات جدید بانک مرکزی ایران. بانکها نمی‌توانند بیش از مبلغ معین ریال به ارز خارجی تبدیل کنند.» به دلیل این اطلاعیه‌ها، مطالبه دیگری برای پرداخت از حسابهای بانکی به عمل نیامد.

۷۸ - خواهان به سه دلیل متفاوت ایران را مسئول استرداد مبلغ ۲۸،۰۰۰ دلار که حسب ادعا در حسابها باقی مانده بود، می‌داند. اولاً استدلالت می‌کند که مقررات کنترل ارز که بانک بین‌المللی ایران به موجب آن از انتقال وجوه امتناع کرده تخلف از عهدنامه مودت (۵) و مواد موافقتنامه صندوق بین‌المللی پول و دخل و تصرف غیرقانونی در اموال خواهان است. ثانیاً اظهار می‌دارد که حتی اگر مقررات کنترل ارز قانونی می‌بود، به‌اندازه کافی تحمیل و مزاحمت است که در حکم سلب مالکیت از آن اموال باشد. و نهایتاً استدلالت می‌کند که ایران با قصور در پرداخت وجوهی که

---

(۴) این چکهای نکول شده موضوع پرونده‌های شماره ۱۲۴۰۶ و ۱۲۴۰۷ مطروح در دیوان است.

(۵) عهدنامه مودت، روابط اقتصادی و حقوق کنسولی بین ایالات متحده امریکا و ایران که در ۲۴ مرداد ۱۳۳۴ [۱۵ اوت ۱۹۵۵] امضاء و در ۲۶ خرداد ۱۳۳۶ [۱۶ ژوئن ۱۹۵۷] به اجرا درآمد.

باید به یونایتد پینتینگ پرداخت می‌شود، به طور غیرعادلانه و به زیان خواهان دارا شده است.

۷۹- بانک در پاسخ اظهار داشته که در حساب ریالی هیچ وجهی باقی نمانده و مانده حساب دلاری مبلغ ۱۰۲/۴۴ دلار بوده است و به علاوه، متذکر گردیده که تا هنگامی که از دارنده حساب دستوری دریافت نکرده ملزم به پرداخت نبوده است. بانک منکر سلب مالکیت از وجوه بوده و اظهار می‌دارد که طبق مقررات کنترل ارز ایران این وجوه همیشه برای پرداخت به ریال آماده بوده است. بانک اظهار می‌دارد که مقررات کنترل ارز تخلف از عهدنامه مودت یا موافقتنامه صندوق بین‌المللی پول نیست.

۸۰- خواهان در وهله اول باید علی‌الظاهر نشان دهد که پس از کسر کلیه بدهکاریهای تأیید شده، وجوهی که مطالبه می‌کند در حسابها باقی می‌ماند. خواهان علاوه بر اوراق دفتر شرکت، شهادتنامه آقای استاین را در مورد مانده‌های ادعایی حسابها ارائه می‌دهد. اوراق دفتر شرکت نشان می‌دهد که در اول شهریور ۱۳۵۷ [۲۳ اوت ۱۹۷۸] شرکای شرکت مختلط برآورد می‌کردند مبلغ ۱۸،۳۱۳،۷۸۸ ریال برای پرداخت هزینه‌های اداری، مشاوره، نظارت و متفرقه باقی می‌ماند. خواهان توضیح می‌دهد که پس از این تاریخ تعدادی چک برعهده حساب ریالی از جمله حداقل چهار طغری چک جمعا به مبلغ حداقل ۱۰،۰۱۴،۱۴۵ ریال در وجه کمورلد کامپنی صادر شده که در آنصورت مانده حساب بیش از ۸،۲۹۹،۶۴۳ ریال (معادل ۱۱۷،۵۵۸/۶۸ دلار) نمی‌شد. خواهان اذعان کرده که از این مبلغ حداقل سه چک دلاری جمعا به مبلغ ۱۰۵،۰۰۰ دلار صادر کرده است و بدینترتیب ظاهرا بیش از ۱۲،۵۵۸/۶۸ دلار باقی نمی‌ماند.

۸۱- یک توضیح در مورد این اختلاف شاید این باشد که در اول شهریور ۱۳۵۷ [۲۳ اوت

۱۹۷۸] اقلامی "متوقف" نگاهداشته شده بود. شهادت خواهان را می‌توان چنین تفسیر کرد که ادعا شده یکی از اقلام "متوقف"، یعنی مبلغ ۲،۱۷۱،۴۷۳ ریال بابت کار اضافی، نهایتاً پرداخت شد. هیچ شهادتی درباره پرداخت دو قلم دیگر "متوقف"، یعنی ۸۴۷،۲۰۰ ریال بابت رنگ فروخته شده به لاپکو و ۴۹۳،۴۱۶ ریال بابت "مبلغ اضافی بابت آلودگی نفت" ارائه نشده است. معیناً حتی اگر جمع مبلغ این اقلام "متوقف"، به مبلغ ۱۲،۵۵۸/۶۸ دلار که ظاهراً مانده حسابها بوده افزوده شود، باز هم اختلاف عمده‌ای بین مانده مورد ادعای آقای استاین و مبلغی که شهادت وی و برگهای دفتر حساب ظاهراً تأیید می‌کنند وجود دارد. بنابراین، دیوان با توجه به اختلاف موجود در مدارک ارائه شده، ادعا را رد می‌کند.

## پنج - حکم

۸۲ - به دلایل پیشگفته،

دیوان به شرح زیر حکم می‌دهد:

الف - خواننده شرکت ملی نفت ایران، ملزم است که مبالغ مشروح زیر را به خواهان یونایتد پینتینگ بپردازد:

۱ - مبلغ یکمهرار و پانصد و هشتاد و هفت دلار امریکا (۱،۵۸۷/- دلار) به علاوه بهره ساده متعلقه به نرخ ده درصد (۱۰٪) در سال (براساس ۳۶۵ روز) از ۱۱ خرداد ۱۳۵۹ [اول ژوئن ۱۹۸۰] لغایت تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت مبلغ حکم از حساب تضمینی را به

بانک امین صادر کند.

۲ - مبلغ چهل و پنجهزار دلار آمریکا (۴۵،۰۰۰/- دلار) به علاوه بهره ساده متعلقه به نرخ ده درصد (۱۰٪) در سال (براساس ۳۶۵ روز) از دهم آذر ۱۳۵۸ [اول دسامبر ۱۹۷۹] لغایت تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت مبلغ حکم از حساب تضمینی را به بانک امین صادر کند.

کلیه ادعاهای دیگر یونایتد پینتینگ کامپنی اینکورپوریتد علیه شرکت ملی نفت ایران ، جمهوری اسلامی ایران و بانک ملت مردود شناخته می‌شوند.

ب - ادعاهای متقابل شرکت ملی نفت ایران علیه یونایتد پینتینگ کامپنی اینکورپوریتد رد می‌شود.

ج - تعهدات فوق‌الذکر شرکت ملی نفت ایران با پرداخت از محل حساب تضمینی مفتوح به موجب بند ۷ بیانیه مورخ ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [اول ژانویه ۱۹۸۱] دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر ایفا خواهد شد.

د - هر یک از طرفین باید هزینه‌های داوری مربوط به خود را متقبل گردد.



بدینوسیله حکم حاضر برای ابلاغ به کارگزار امانی تسلیم ریاست دیوان می‌شود.

لاهور، به تاریخ ۱۱/۲/۱۳۶۸ برابر ۲۲/۲/۱۹۹۰

گایتانو آرانجیو روئیتس

رئیس شعبه سه

بنام خدا

پرویز انصاری معین

چارلز ان. براونر

- ۱ - موافق با رد ادعای صادره.
- ۲ - موافق با رد ادعای تقسیم داراییها.
- ۳ - موافق با رد ادعای حساب بانکی، هر چند که معتقدم به دلیل فقدان مدرک درخواست انتقال وجوه و پابرجا نبودن ادعای دعوی محکوم به رد می‌باشد.
- ۴ - مخالف با احراز صلاحیت نسبت به شرکت نفت به عنوان جانشین بالفعل لاپکو.
- ۵ - مخالف با قبول ادعای کارمزد ضمانتنامه حسن انجام کار اضافی، به دلیل نبود مدرک مثبت پرداخت حق ضمانتنامه.
- ۶ - مخالف با مسئول شناختن شرکت نفت در مقابل از دست رفتن اموال خواهان.

حداقل، قاعده حقوقی الزام متضرر به کاستن از میزان ضرر و نیز نص ماده ۹-۱ بخش د قرارداد که می‌گوید "پیمانکار باید در پایان کار تجهیزات موقت را به نحو مورد رضایت مقامات خارج کند" ایجاب می‌کرد که خواهان و خوانده متساویاً مسئول از دست رفتن اموال شناخته شوند. بعلاوه، حکم بر پرداخت ۶۰٪ ارزش وسایل مستعمل نقاشی آنقدر از روی گشاده‌دستی و سخاوتمندی صادر شده است که نمی‌تواند به عنوان یک ارزیابی صحیح قضایی قابل قبول باشد.

۷ - مخالف با رد ادعاهای متقابل به علت ثبت خارج از موعد، به ویژه آنکه مورد اعتراض خواهان نیز قرار نگرفته است.